

بانک داری اسلامی و اثرات آن بر توسعه اقتصادی

رضا اکبریان^۱

مقدمه

اسلام توجه ویژه‌ای به توسعه اقتصادی دارد. اما توسعه اقتصادی را بر اساس مبانی مؤلفه‌های دین مبین اسلام مورد تأکید قرار می‌دهد. در این راستا یکی از مهمترین شاخص‌های اقتصاد اسلامی در جهت رسیدن به توسعه اقتصادی عدم وجود ربا می‌باشد. با بررسی این شاخص دلیل حرمت ربا مشخص می‌شود. دستاوردها و مستندات علمی مبین آن است که وجود بهره و ربا موجب تورم و بیکاری می‌شود، از این رو حتی کشورهایی که بر اساس اقتصاد سرمایه‌ای شکل گرفته‌اند با استفاده از این دستاورد علمی به دنبال کاهش نرخ بهره و حتی به صفر رسانیدن آن می‌باشند. چون در جامعه‌ای که بهره و ربا، تورم و بیکاری وجود داشته باشد از اهداف اصلی توسعه اقتصادی دور خواهد شد. در جهان کنونی قسمت عمده مبادلات پولی به وسیله بانک‌ها انجام می‌شود. اداره امور زندگی و همچنین اداره امور اقتصادی کشورها مستلزم وجود بانک‌ها می‌باشد. با توجه به این که بانک‌ها به عنوان جزئی از ارکان توسعه مطرح می‌باشد، طبیعی است که ارائه خدمات و تسهیلات آن‌ها بر اساس مبانی و مؤلفه‌های اسلامی می‌تواند در راه وصول به توسعه مؤثر باشد.

یکی از بارزترین ویژگی‌های اقتصاد اسلامی عدم وجود ربا می‌باشد. در آیات قرآن و روایات زیادی بر این اصل اساسی که بایستی از ربا پرهیز شود، تأکید شده است. مستندت علمی دوران

اخیر نشان می‌دهد که بهره چگونه باعث ایجاد تورم و بیکاری می‌شود. تجربیات اخیر نشان می‌دهد کاهش شدید نرخ بهره و حتی به صفر رسانیدن آن امکان‌پذیر است.

سابقه بانک داری بدون ربا به دو دوره تقسیم می‌شود، دوره اول دوره‌ای که به عنوان یک مفهوم و عقیده مطرح گردید و افرادی از جمله: انور کورشی،^۱ نعیم صدیقی،^۲ محمد احمد^۳ و محمد حمیدالله^۴ تحقیقاتی انجام دادند و دریافتند که عملکرد بانک‌ها باید بر اساس سهم سود و زیان^۵ باشد و همگی در مورد بدون بهره بودن فعالیت‌ها در بانک‌ها اتفاق نظر داشتند. در دو دهه اخیر بحث بانک داری بدون بهره، جذابیت بیشتری پیدا کرده است. با توجه به اهمیت روزافزون مباحث توسعه اقتصادی، کشورها به دنبال آن هستند که از طریق به کارگیری عقود اسلامی شکاف طبقاتی و مشکلات ناشی از بهره را رفع نموده و اهداف مهم رشد توسعه را تعقیب نمایند. در سال‌های اخیر کنفرانس مالی اسلامی در کراچی (۱۹۷۰) اولین کنفرانس اقتصاد اسلامی در مکه (۱۹۷۶) و کنفرانس بین‌المللی لندن (۱۹۷۷) و کنفرانس بین‌المللی بانک داری اسلامی در تهران (۱۹۸۶) را از جمله فعالیت‌های جمعی در این راستا می‌باشند.

در سال ۱۹۶۳ در مصر اولین بانک اسلامی به نام Mit-Gham ایجاد شد و در ابتدا خیلی مشهور و موفق بود و بعد از مدتی به دلایل نامشخص بسته شد. اولین بانک خصوصی بدون بهره در سال ۱۹۷۵ در دبی توسط عده‌ای از تجار مسلمان ساکن کشورهای مختلف تشکیل شد و در سال ۱۹۷۷ بانک خصوصی Islamic Bank Faisal در مصر و سودان تشکیل شد و در همین

۱ - Anwar Qureshi. (۱۹۴۶).

۲ - Naime siddigi (۱۹۴۸).

۳ - Muhammad Ahmad (۱۹۵۲).

۴ - Muhammad hamidullah (۱۹۵۷).

۵ - Profit loss sharing

سال دولت کویت بانک ملی کویت را تشکیل داد. به این ترتیب ایجاد بانک های اسلامی در کشورهای مسلمان و غیر مسلمان از جمله دانمارک و لوکزامبورگ گسترش یافت، به طوری که طی ۱۰ سال ۵۰ بانک بدون بهره ایجاد شد. در پاکستان از اول ژانویه ۱۹۸۱ همه بانک ها سپرده ها را بر اساس سهم سود و زیان پذیرفتند. بعد از انجام مطالعات اولیه و برداشتن قدم های اساسی در ۱۹۸۵ فعالیت بانک ها بر اساس بانک داری بدون بهره میل داده شد و از سال ۱۹۸۵ هیچ بانکی سپرده ای را با بهره نمی پذیرفت. در ایران مطالعات در مورد حذف بهره از سال ۱۳۶۰ آغاز شد و این سیاست با اعطای ۴٪ حداکثر بهای خدمات روی دارایی و ۴ تا ۸ درصد نرخ سود به فعالیت ها جایگزین شده بود و به این ترتیب سود تضمین شده حداقل گردید. در ۱۳۶۱ قانون بانک داری بدون ربا معرفی و مبنای عملیات بانک داری قرار گرفت.

تعریف ربا و اهمیت آن در اقتصاد

در معاملات پولی و غیرپولی که سرمایه خود به خود و بدون انجام کار مفید اقتصادی افزایش یابد معامله ربوی است و به مازاد گرفته شده ربا می گویند.^۱ درآمدهای ربوی در شرایطی که اسلام معرفی کرده مخالف اصل عدالت اقتصادی و اجتماعی است و علاوه بر این که مانع رسیدن حق به حق دار می شود در به وجود آمدن طبقه های بی ثمر و غیرفعال در جامعه تأثیر فراوان دارد. فرد رباخوار بدون انجام عمل و فعالیت اقتصادی مفید و بدون احتمال هیچ گونه ضرر و زیان از حاصل کار و دست رنج دیگران رشد و نمو می کند. اجتماع را از رسیدن به اهداف رشد تولیدی، اقتصادی و نیروی انسانی و در نهایت توسعه اقتصادی باز می دارد. به استقلال روحی و اقتصادی

جامعه ضرر وارد می کند. اسلام قاطعانه آن را حرام می داند و مردم را به تجارت و اعطای صدقات تشویق می کند. باید دانست که نرخ بهره با نرخ سود حاصل از تجارت متفاوت است. طبق سوره بقره آیه ۲۷۵ خداوند می فرماید سود حاصل از تجارت با قرض گرفتن پول متفاوت است و اسلام هر نوع مازادی بر پول را منع کرده است و تحریم ربا جلوی پیدایش سرمایه بزرگ را نمی گیرد در عوض از پیدایش سرمایه دار بزرگ جلوگیری می کند. تحریم ربا را می توان در رابطه با دو نوع قرض مطرح کرد ۱- قرض مصرفی ۲- قرض تولیدی.

قرض مصرفی صرفاً برای مصارف و نیازهای ضروری شخص وام گیرنده به کار می رود. هیچ نوع سودی را نصیب وام گیرنده نمی کند. همیشه در مواقع ضعف مالی افراد مطرح می شود. قرض تولیدی بیشتر برای فعالیت های اقتصادی به کار می رود. شخص با به کار انداختن پول سود می برد. اسلام با هر دو مخالف است و هر دو را تحریم می کند. نوع اول ربا هیچ گونه تأثیری در مکانیسم تخصیص منابع اقتصادی ندارد و صرفاً به خاطر برآوردن نیازهای فرد مستمند می باشد. چنان چه ربا گرفته شود ظلم است. از نظر اسلام باطل و حرام می باشد و همان آثاری را دارد که استثمار ایجاد می کند. اما نوع دوم ربا ربای تولیدی است و در مکتب های دیگر در این باره نظریه های مختلفی ارائه شده است. برای نمونه از نظریه ترجیح نقدینگی کینز می توان نام برد که انگیزه گرفتن ربا را در رابطه با تعیین نرخ بهره مطرح می کند و انگیزه نگهداری پول نقد را تابع انگیزه های احتیاطی مبادله ای و سفته بازی می داند که صرف نظر کردن از این خواسته مستلزم پرداخت هزینه ای است که آن را ربا یا بهره می خوانند.

اهداف اقتصاد اسلامی

اقتصادی اسلامی با اعمال سیاست های خود از جمله بانک داری اسلامی در جهت تحقق اهداف زیر مؤثر می باشد:

توسعه اقتصادی: اقتصاد اسلامی با جریمه کردن تجمع سرمایه بلا استفاده از طریق زکات می خواهد پول های انباشته صرف سرمایه گذاری های تولیدی شود و زمینه ای برای توزیع عادلانه درآمد و ثروت را فراهم کند.

افزایش اشتغال: سرمایه گذاری در پروژه هایی توصیه می شود که پیش از آن که برای صاحبش درآمد ایجاد کند باعث توزیع ثروت و افزایش بهره وری گردد و نیروی کار نیز در این حین جذب کار شود تا بتواند از اثرات منفی بیکاری بکاهد.

حفظ تعادل و ایجاد اعتدال در جامعه: با جلوگیری از اسراف و پس انداز کردن در شکل گرفتن سرمایه گذاری در جامعه اعتدال فراهم خواهد شد.

قوانین مورد قبول اسلام در مورد بانک داری اسلامی

اسلام هر نوع پرداخت از پیش معین را روی مقادیر قرض گرفته شده نهی کرده است. اسلام در قرض گرفتن تسهیم سود و زیان را حاکم دانسته، یعنی قرض گیرنده باید منافع یا ضررهای حاصل از سرمایه گذاری را تقسیم نماید. در اسلام ایجاد پول از پول پذیرفته نشده است و پول فقط واسطه مبادله است.

سرمایه‌گذاری و به کارگیری پول تنها در مواردی مجاز است که اسلام مشخص کرده و پذیرفته است. مثلاً فرد مسلمان نمی‌تواند با پول قرض گرفته شده تجارت الکل یا خرید و فروش مواد مخدر کند.

بنابراین در اسلام فعالیت بانک‌ها باید بر اساس سهم سود و زیان^۱ باشد. اما سهم سود و زیان در شکل‌های مختلف از جمله مضاربه^۲، مشارکت^۳ و اجاره^۴ مطرح می‌باشد.^۵

اجاره هم در بلندمدت و هم در کوتاه‌مدت منعقد می‌شود. مشارکت هم در کار و هم در سرمایه مطرح است و سهم طرفین از قبل مشخص شده و بیشتر برای فعالیت‌های بلندمدت مطرح است و ممکن است این فعالیت همراه با سود و زیان باشد. در مضاربه یک نفر به عنوان صاحب سرمایه و طرف دیگر به عنوان عامل مطرح می‌باشد و هر دو در سود و زیان حاصل شریک خواهند بود.

مقایسه بانک داری ربوی و غیر ربوی

در بانک داری ربوی بانک‌ها از یک طرف از سپرده‌گذاران پول دریافت می‌کنند و از طرف دیگر به متقاضیان وام می‌دهند. از این رو است که چنین بانک داری را واسطه وجوه می‌نامند؛ چون بدون تغییر در ماهیت حقوقی سپرده‌ها وام می‌پردازد. بر همین اساس بانک‌ها توانایی

۱ - Profit loss sharing

۲ - Mudarabah

۳ - Musharakat (Participation)

۴ - Ijara (real financing)

۵ - Abdul Gaffor

خلق پول را پیدا می‌کنند. در بانک داری اسلامی که در آن بهره حذف می‌شود. بازار پولی اهمیت صوری خود را از دست می‌دهد. بانک به عنوان وکیل سپرده گذاران عمل کرده و به نیابت از طرف ایشان و بر اساس یکی از عقود اسلامی نیاز مالی را بر طرف می‌کند و از سود و یا زیان حاصل از کلیه عملیات بانکی به نسبت مدت و مبلغ سپرده به سپرده‌گذاران می‌پردازد. در بانک ربوی نرخ بهره وام اخذ شده جزء قیمت تمام شده محصولات است که در جامعه تولید می‌شود محسوب شده و کلیه افراد ملزم به پرداخت آن می‌باشند ولی در بانک داری اسلامی (بدون ربا) نرخ بهره‌ای وجود ندارد که جزء قیمت تمام شده محسوب شود و ضمناً هزینه فرصت سرمایه هم صفر است. بنابراین با توجه به ماهیت بانک داری ربوی و مشکلاتی که در عمل ایجاد می‌نماید با اهداف توسعه منافات دارد. در صورتی که در بانک داری اسلامی که بهره وجود ندارد تأکید بیشتر بر تولید و انجام فعالیت های صحیح اقتصادی می‌باشد که می‌تواند در جهت توسعه اقتصادی باشد. در شرایط تورمی در بانک داری ربوی افراد غنی، غنی‌تر می‌شوند و شکاف درآمد، ثروت بیشتر می‌شود در حالی که در بانک داری بدون ربا سپرده‌گذاران از سود حاصل از عملیات تولیدی جامعه سهم می‌گیرند. و تورم هم به وجود نمی‌آید و با توجه به دستورات اسلام شکاف افراد غنی و فقیر به تدریج کم و کمتر می‌شود.^۱

آثار اقتصادی حذف بهره

اگر بین پول و سرمایه تفاوت قائل شویم، پس باید دو بازار در سیستم سرمایه‌داری موجود باشد، یکی بازار پول که نرخ بهره در آن تعیین شود و دیگر بازار سرمایه که در آن سود مطرح می‌باشد.

در اقتصاد غرب بعضی از اقتصاددانان پول را در تابع تولید قرار داده و این امر بیانگر بی‌توجهی به مسائل حقوقی است چون مثلاً در یک شرکت سهامی پول تحت عنوان وام، افزایش سرمایه، کمک بلاعوض و... وارد شرکت می‌شود. پول اولیه که به محض تشکیل تبدیل به سرمایه می‌شود مورد استفاده‌های بعدی برای خرید زمین، ماشین‌آلات، لوازم و تجهیزات و... قرار می‌گیرد و دیگر مفهومی در تابع تولید ندارد.

توزیع درآمد: در سیستم غربی افراد مازاد درآمدشان را به صورت سپرده و با نرخ از قبل تعیین شده‌ای که بیش از نرخ بهره ی پرداختی سپرده‌ها است قرار می‌دهند. برخی از آن‌ها به عنوان سرمایه وامی^۱ در جریان تولید قرار می‌گیرد و بقیه وارد بازار پولی می‌شود، سرمایه وامی نقشی در فعالیت اقتصادی ندارد و بانک با توجه به تفاوت نرخ بهره پرداختی به سپرده‌ها و نرخ بهره دریافتی از وام گیرندگان به دنبال حداکثر کردن سود خود می‌باشد.

در بانک‌های ربوی بازار پولی نقشی در تشکیل سرمایه ندارد، پس بانک به صورت عضوی برون‌زا در سیستم سرمایه‌داری تلقی می‌شود و بر همین اساس است که عرضه پول به صورت برون‌زا در این سیستم معرفی می‌شود، بنابراین عرضه پول بوسیله توان اقتصادی جامعه تعیین نمی‌شود و رشد بانک‌ها نتیجه ارتزاق از بدنه اقتصاد جامعه می‌باشد. با توجه به این که در این

۱ - debt-capital

سیستم نرخ بهره مستقل از نرخ سود می باشد و در نتیجه بهره به هزینه تمام شده کالاهای تولیدی افزوده می شود پس از توزیع درآمد آن عده از مصرف کنندگانی که پس انداز کننده نیز می باشند در درآمد بهره شریک هستند و به تشکیل سود کمک می نمایند و آن عده از مصرف کنندگانی که نمی توانند پس انداز کنند سنگینی بهره و سود حاصله در جامعه بر عهده آن ها است. در اقتصاد اسلامی منظور از سرمایه در بارزترین مورد خود مثلاً عقد مضاربه همان پول است که به محض ترکیب حقوقی با عامل نیروی انسانی تبدیل به سرمایه می شود و مستحق دریافت سود می باشد. پول به هیچ وجه سهمی در تولید یا سود ندارد و یک کالای عمومی است. در سیستم اسلامی نقش بانک داری اسلامی در توزیع درآمد این است که تشویق کند تا مصرف کنندگان پس اندازهای خود را به صورت سپرده در اختیار بانک قرار داده و بانک به عنوان وکیل از طریق عقود اسلامی این سپرده ها را به عنوان سرمایه سهامی به کارفرمایان و سرمایه گذاران بالفعل جامعه داده و آن ها با استفاده از این امکانات از طریق بازار سرمایه یا بازار کالاهای سرمایه ای به تولید کالا می پردازند و در این حالت اولاً مصرف کنندگان مستقیماً از حاصل عملیات تولیدی و فروش یعنی سود از طریق وکیل خود (بانک) منتفع شده و حق الوکاله ای به وکیل خود می پردازند. ثانیاً سرمایه بالقوه (یعنی پول) از طریق بانک به هیچ وجه به اقتصاد جامعه تزریق نشده بلکه به صورت سرمایه وارد بازار کالاهای سرمایه ای و یا بازار سرمایه (مثلاً سهام) می شود و نرخ متعادل کننده این بازار همان نرخ سود یا نرخ بازدهی داخلی سرمایه می باشد. ثالثاً از آن جا که هزینه فرصت سرمایه در این سیستم صفر است. کالاهای تولید شده حاوی هزینه ای نخواهد بود و کالا فقط بر اساس هزینه دستمزد و مواد و امثالهم محاسبه می شود پس قیمت کالای تولید شده کمتر از قیمت کالای تولید شده همان کالا در سیستم سرمایه داری است. پس

با بانک داری اسلامی آن عده از مصرف‌کنندگانی که پس‌انداز کننده نیز می‌باشند در ایجاد درآمد و سود حاصل از عملیات اقتصادی سهام هستند و آن عده از مصرف‌کنندگان که فقط مصرف‌کننده هستند در ایجاد سود حاصل در جامعه شریک هستند که در این راستا عملیات مختلف بانک داری اسلامی در جهت تولید و فعالیت‌های صحیح اقتصادی سوق پیدا می‌کند و بر رشد و توسعه اقتصادی مؤثر خواهد بود!

بانک داری اسلامی در ایران

با پیروزی انقلاب اسلامی و برقراری جمهوری اسلامی لزوم استقرار نظام اقتصاد اسلامی به عنوان یکی از ضرورت‌های اساسی کشور مطرح شد و برای ایجاد اقتصادی مبتنی بر قسط و عدل ربا از سیستم بانکی کشور مبنا قرار گرفته است. به همین منظور پس از انقلاب در سال ۱۳۵۸ اقداماتی در جهت اسلامی کردن نظام بانکی به عمل آمد و این اقدامات را می‌توان در کوشش‌های اولیه برای حذف بهره و برقراری کارمزد در سیستم بانکی و ایجاد بانک داری اسلامی خلاصه نمود.

شورای پول و اعتبار در تحقق اهداف بانک داری اسلامی تغییراتی در ساختار نرخ بهره بانکی به تصویب رساند و از ابتدای سال ۱۳۵۹ به مورد اجرا گذارده شد و شامل:

حداقل سود تضمین شده برای سپرده ها

بانک ها در جذب سپرده های غیردیداری (پس انداز- سرمایه گذاری کوتاه مدت) اختیار پرداخت حداقل ۷ درصد سود تضمین شده و برای سپرده های مدت دار حداقل ۸/۵ درصد سود تضمین شده در سال را دارا بودند و تعیین گردید که اگر بانک ها علاوه بر عملکرد خود سود اضافی داشته باشند نسبت به میزان سپرده ها در پایان هر سال سود اضافی به سپرده گزاران پرداخت شود.

کارمزد و حداقل سود تضمین شده برای وام ها و سایر تسهیلات اعتباری

از اوایل سال ۱۳۵۹ دریافت بهره از انواع اعتبارات و وام ها حذف گردید و مقرر شد برای جبران هزینه های بانکی کارمزد و سهم سود تضمین شده برحسب انواع فعالیت های اقتصادی تعیین و دریافت شود. در سال ۱۳۶۱ لایحه عملیات بانکی بدون ربا در جهت حذف بهره و انطباق عملیات بانکی با موازین اسلامی تقدیم مجلس شورای اسلامی گردید و نهایتاً در تاریخ ۱۶/۸/۱۳۶۲ به تصویب رسید برای تحقق وظایف بانک ها جمع آوری پول (تجهیز منابع پولی) و توزیع پول (تسهیلات اعطایی) با تلاش مدیریت بانک ها و همکاری همکاران بانک ها گام های مؤثری برداشته شده است.

طبق ماده سه فصل دوم قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲ تحت عنوان تجهیز منابع پولی مقرر شده است که بانک ها می توانند تحت عنوان سپرده قرض الحسنه و سپرده های سرمایه گذاری مدت دار به قبول سپرده مبادرت کنند. سپرده سرمایه گذاری مدت دار به سپرده هایی اطلاق می شود که از سوی اشخاص اعم از حقیقی و یا حقوقی برای مدت معین یا نامعین در اختیار بانک ها گذاشته می شود تا بانک به وکالت از سپرده گزاران این وجوه را بر اساس

سیاست‌های پولی و بانکی از طریق مشارکت مدنی، مضاربه، جعاله و فروش اقساطی مورد استفاده قرار داده و منافع حاصل از عملیات بانکی بین سپرده‌گذاران و بانک تقسیم می‌شود. پس پذیرش این نوع سپرده توسط بانک‌ها برای رفع نیازمندی‌های اشخاص و مؤسسات فعال و فاقد سرمایه صورت می‌گیرد.

سپرده بلندمدت برای مدتی بیشتر از یکسال به بانک سپرده می‌شود و حداقل سود علی‌الحساب سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار بر اساس سیاست پولی در اوایل هر سال توسط شورای پول و اعتبار تعیین و به بانک‌ها ابلاغ و در پایان همان سال نرخ قطعی با توجه به سود و زیان بانک‌ها توسط شورای مذکور اعلام می‌شود. سپرده کوتاه مدت برای حداقل مدت سه ماه نزد بانک سپرده می‌شود مبلغ این نوع سپرده قابلیت کاهش یا افزایش را دارد و حداقل مدت سپرده‌گذاری کوتاه مدت برای بار اول سه ماه و در مراحل بعدی تابعی از ضرایب یک ماهه است. بانک‌ها وجوه سرمایه‌گذاری مدت‌دار را به وکالت از طرف مشتری در معاملات و اعطای تسهیلات بانکی به کار می‌گیرند و سود و زیان انجام معامله متعلق به سپرده‌گذار است. بانک‌ها سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را که در به کار گرفتن آن‌ها وکیل هستند با توجه به ماهیت شان در یک تقسیم‌بندی به دو گروه عقود مشارکت و عقود با بازدهی ثابت تقسیم می‌کنند:

عقود مشارکت

بانک کل یا بخشی از سرمایه مورد نیاز یک فعالیت اقتصادی (تولیدی - تجاری - خدماتی) را تأمین می‌کند و در نهایت بر اساس قراردادی که با شریک منعقد شده سود بین آن‌ها تقسیم

می‌شود و سهم هیچ‌کس قبل از تمام فعالیت اقتصادی مشخص می‌باشد شامل عقد مشارکت مدنی مشارکت حقوقی، مضاربه، مزارعه و مساقات است.

عقود با بازدهی ثابت

بانک کل یا بخشی از سرمایه مورد نیاز یک فعالیت اقتصادی را تأمین می‌کند با این تفاوت که قبل از انجام فعالیت اقتصادی و بعد از انعقاد قرارداد سود بانک معلوم و معین است و تحولات آتی و تغییرات احتمالی وضعیت مالی فعالیت مذکور از جهت سود و زیان ارتباطی با سود و زیان ارتباطی با سود مطالبات بانک از آن فرد ندارد که این عقود عبارتند از: سلف، جعاله، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، ضمان، قرض الحسنه، مزارعه و خرید دین.

در قرارداد وکالت شخص موکل حق نظارت و کنترل بر اقدامات وکیل را دارد حال آن که سپرده‌گذاران هیچ یک به تنهایی یا گروهی حق نظارت و کنترل قراردادهای بانک یا وام گیرندگان را ندارند پس بانک اصالتاً قراردادهای خود را امضاء و به مورد اجرا می‌گذارد. سپرده‌گذار فقط بانک را در قرارداد طرف اصلی و متعهد خود می‌شناسد و هیچ یک از تعهداتی که بانک به دیگران را دارد نمی‌پذیرد.

وکیل بایستی حساب مدت وکالت خود را به موکل بدهد در صورتی که در قراردادهای منعقد شده بانک با سپرده‌گذار بانک این چنین تکلیفی ندارد.

در بانک داری اسلامی، دولت در موارد زیر باید حضور داشته باشد

الف - کنترل‌های مستقیم

هدایت منابع سرمایه‌ای به جهت‌های مورد قبول اجتماع

تضمین این امر که کم‌یاب‌ترین منابع واقعی از قبیل سرمایه به اقتصادی‌ترین کاربردهای رقابتی مشروع تخصیص یافته باشد.

تأمین منابع پولی کافی برای تغذیه مالی و بخش تولید کالا به منظور اجتناب نوسانات شدید در فعالیت اقتصادی

حصول اطمینان از این که امکانات کافی برای آنان که زیر خط فقر زندگی می‌کنند فراهم بیاید.

ب- کنترل‌های غیرمستقیم

۱- سیاست پولی

در عین حال که کنترل‌های مستقیم از ابزارهای سیاست‌گذاری اقتصاد اسلامی به حساب می‌آید ولی به تنهایی کافی نیست و ضرورت به کارگیری کنترل‌های غیرمستقیم از جمله سیاست پولی احساس می‌شود. تا از راه‌های غیرمستقیم، کنترل عرضه پول، و از آن طریق کنترل سطح و ترکیب سرمایه‌گذاری عمل شود. با حذف نرخ بهره از ابزارهای پولی بانک مرکزی این بانک ابزار سیاست‌گذاری دیگری بدست می‌آورد که عبارت است از قرارداد تسهیم سود. در این سیستم بانک‌های تجاری، از طریق سرمایه‌گذاری پول‌های پس‌انداز شده بر مبنای مشارکت سهامی در فعالیت‌های تولیدی که زیر بنای اصلی توسعه اقتصادی شرکت می‌نمایند.

حذف بهره، عدالت اجتماعی و توسعه اقتصادی

مفهوم عدالت اجتماعی در هر مکتب اقتصادی بر اساس ارزش‌ها و قواعد پذیرفته شده در همان مکتب مشخص می‌شود، بکار بردن تعبیرات حلال و حرام عناوینی برای نشان دادن

ارزش های مورد قبول اسلام است، زیرا روابط عادلانه با عنوان حلال و روابط غیرعادلانه با عنوان حرام معرفی می شود بنابراین نفس حرمت ربا در مکتب اقتصادی اسلام حاکی از ظالمانه بودن آن است که با عدالت اجتماعی مغایرت دارد و خداوند در قرآن کریم می فرماید: و ان تبتم فلکم روس اموالکم لا تظلمون و لا تظلمون.

شهید صدر^۱ در ارتباط با مفهوم عدالت اجتماعی به دو اصل تأمین اجتماعی و توازن اجتماعی پرداخته است اصل تأمین اجتماعی شامل تکافل عام (وظیفه اعضای جامعه اسلامی در رفع نیازهای حیاتی یکدیگر) و ضمان اعاله وظیفه حکومت اسلامی در تأمین معیشت مناسب برای افراد دیگر جامعه است و اصل توازن اجتماعی مبتنی بر جلوگیری از گردش میان ثروتمندان است (کی لا یکون دوله بین الاغنیای منکم) و از میان بردن زمینه دو قطبی شدن جامعه به طوری که اختلاف درآمدها موجب پیدایش دو طبقه غنی و فقیر در جامعه نشد.

استاد شهید مطهری^۲ در کتاب خود به نام ربا، بانک، بیمه پس از طرح فلسفه های متصور در مورد ربا و اشکالاتی که به هر یک وارد است علل تحریم ربا را نیز مورد بررسی قرار می دهد و در نهایت چنین نتیجه می گیرد که با وجود ربا تسلط سرمایه بر کار اثبات می شود و قدرت اقتصادی در اختیار سرمایه قرار می گیرد زیرا سرمایه چه کار بکند یا نکند در جریان کار ضربه ببیند یا نبیند مزد خود را می گیرد. بر خلاف کار که کارگر فقط مزد خود را در مقابل کاری که انجام داده می گیرد. از آن جا که رابطه سرمایه و کار نباید به شکلی تنظیم شود که امتیازات بیشتری به سرمایه دهد و زمینه حاکمیت سرمایه را فراهم کند بلکه این دو باید هم تراز یکدیگر باشند و یا

۱- صدر، شهید آیه الله محمدباقر

۲- مطهری، استاد شهید مرتضی

حتی به لحاظ حکم شرافت انسانی و تقدم طبیعی انسان بر اثر خود کار باید قدرت بیشتری داشته باشد این مغایرت ربا با عدالت اجتماعی با دو معنی از معانی چهارگانه که شهید مطهری از عدالت اجتماعی ارائه کرده است انطباق دارد. اول برقراری تناسب میان اجزای یک مجموعه و موزون بودن آن که رعایت تناسب میان وزن سرمایه و حق صاحب نیروی کار انسانی که بر اساس جهان بینی و قواعد اساسی اسلام شکل می گیرد حقی برای صاحب سرمایه بدون توجه به میزان سود و زیان آن به رسمیت شناخته و بر اساس اصول اولیه خود تعیین سهم سرمایه را به مکانیزم بازار از طریق نرخ بهره سپرده است و در عین حال این نوع توزیع درآمد که در بازار رقابت انجام می پذیرد عادلانه و به عنوان بهترین شکل توزیع درآمد می دانند. باید دانست موضوع بهره علاوه بر آن که موضوع اقتصادی می باشد یک موضوع حقوقی است که با پذیرش یا عدم پذیرش آن بر مبنای جهان بینی هر مکتب و نگرش به انسان و برداشت از عدالت اجتماعی تفاوت دارد.

بهره با توسعه و رشد ارتباطی اساسی دارد و برخلاف اصل شتاب که توزیع ناعادلانه درآمد را موجب تشکیل بیشتر پس انداز و زمینه ساز افزایش رشد اقتصادی می داند و توجهی به کاهش مصرف و تأثیر منفی آن بر سرمایه گذاری ندارد. توزیع عادلانه درآمد علاوه بر امکان مصرف بیشتر کالای ضروری مورد نیاز عامه مردم زمینه را برای افزایش پس انداز از طریق افزایش تولیدات را نیز فراهم می کند و سیستم مشارکت انگیزه بیشتری برای صاحبان پس انداز از جهت سرمایه گذاری و ایجاد رشد اقتصادی فراهم کرده است و امکان تحقق توسعه اقتصادی را فراهم کرده است و امکان تحقق توسعه اقتصادی را گسترش می دهد. بی عدالتی حاصل از بیکاری و فشار آن به طبقات ضعیف جامعه در نظام سرمایه داری بوسیله حذف بهره و سایر عوامل و شرایط لازم در نظام اسلامی مرتفع شده است و هرکس که توانایی کار دارد چون کار خود یک نوع عبادت

است مشغول کار می‌شود و در نظام سرمایه‌داری کارگری با داشتن توانایی لازم و میل به انجام کار توانایی کسب درآمد را ندارد و باید در انتظار دعوت سرمایه‌گذار باقی بماند.

رویکرد اقتصاد اسلامی به توسعه پایدار

در اندیشه اسلامی، تعدادی از نوشته‌ها به موضوع توسعه اختصاص یافته است و جای تعجب ندارد که بخش عمده این متون به تحریم بهره، و موضوعات مربوط به عدالت توزیعی از جمله زکات بپردازد، اگرچه با بررسی این متون می‌توان دریافت که توسعه اقتصادی در مقایسه با موضوعات دیگری هنوز توجه لازم اقتصاددانان اسلامی را به خود جلب نکرده است.

آثار معاصر مربوط به توسعه اقتصادی در اقتصاد اسلامی را می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد. مرحله اول از دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ ادامه دارد. مرحله دوم از ۱۹۸۰ آغاز شده، به واسطه دهه ۱۹۹۰ می‌انجامد و مرحله کنونی از آن به بعد است. ادبیات آغازین توسعه به بررسی مباحث مبنایی ارزش‌های اسلامی و سازگاری آن‌ها با انگیزش فردی و اجتماعی برای توسعه مادی می‌پردازد.

این که اسلام و آرمان‌ها و ارزش‌هایش نه مانع توسعه اقتصادی می‌شود و نه مانعی برای رشد مادی به شمار می‌آید، بیشترین توجه را در نوشته‌های ژاک آستروی، الفنجری، المبارک و نوشته‌های اولیه خورشید احمد به خود اختصاص داده است. مهم‌ترین افکار و اندیشه‌های مطرح این دوره به اختصار عبارتند از:

اسلام از مردم می‌خواهد که با صرف تلاش‌های خود در هر مکان از زمین در پی رزق و روزی باشند. خود طلب روزی یک ارزش اخلاق و یک واجب دینی است.

رویکرد اسلام به توسعه مانند رویکرد اقتصادی اسلام، رویکردی کل‌نگر است. این نگاه تمام‌زویای زندگی انسان را به طور همزمان مورد توجه قرار می‌دهد. هدفمندی و ارزش محوری این رویکرد به شکلی است که رستگاری را در این زندگی و زندگی پس از مرگ هدف خود قرار می‌دهد.

تغییرات توسعه باید از درون خود جامعه آغاز شده، محیط اجتماعی و مادی را فرا گیرد. مفهوم توسعه در اسلام مفهومی فراگیر است. همان‌قدر که اخلاقی و معنوی است، مادی و اجتماعی نیز هست.

انسان هم ابزار توسعه و هم هدف آن است. انسان می‌تواند با صرف تلاش‌هایش سبب توسعه شود و بهبود سرنوشت اخلاقی، معنوی، اجتماعی و اقتصادی انسان و محیط اطرافش همه در جهت اهداف توسعه است.

بهره‌برداری بهینه منابع و توزیع عادلانه فواید و بازده آن، دو اصل اساسی حاکم و شکل‌دهنده به رویکرد اسلام به توسعه هستند.

تلاش برای توسعه همان‌گونه که وظیفه افراد است، وظیفه حکومت نیز هست. این تلاش باید به شکل هماهنگ میان بخش‌های محلی و منطقه‌ای جامعه صورت پذیرد و در سطح بین‌المللی میان کشورهای مسلمان و دولت و میان کشورهای مسلمان و غیرمسلمان نیز همین روند را پی‌گیرد.

تلاش‌های در جهت توسعه باید به هدف بهبود منابع انسان، افزایش عرضه مواد غذایی و دیگر کالاهای اساسی، بهسازی کیفیت زندگی، کاهش نابرابری‌ها و عدم توازن اقتصادی و اجتماعی منطقه‌ای و بین‌نسلی، توسعه فن‌آوری‌های سازگار با محیط زندگی، افزایش اتکا به نفس ملی با

کاهش وابستگی به بازار خارجی بدون چشم‌پوشی از ادغام و تکمیل بازارهای بین‌الملل اسلامی صورت پذیرد.

ویژگی مرحله دوم از نوشته‌های توسعه اقتصادی در اسلام، عبور از عقاید و اصول به بحث در مورد طرح‌های توسعه، اولویت‌های سرمایه‌گذاری عمومی و خصوصی، بسیج منابع داخلی و خارجی، و حفظ پتانسیل در چارچوب اسلامی است. برخی اندیشه‌های مورد تأمل در این دوره را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

اگر توسعه اقتصادی ضرورت دارد و هدف اساسی نظام اقتصادی اسلام به شمار می‌رود و برنامه‌ریزی ابزاری برای توسعه ضروری است، برنامه‌ریزی اقتصادی باید برای جوامع و دولت‌های اسلامی اجباری باشد.

اولویت‌های سرمایه‌گذاری باید پیرو طبقه‌بندی یکسانی از خواست‌های انسانی باشد که با توجه به ارزش‌های متفاوتی که شریعت برای این خواسته‌ها در نظر گرفته، به وسیله فقیهان اسلامی توصیه شده است. الشاطبی و الغزالی خواست‌های انسانی را به سه گروه تقسیم می‌کنند؛ ضرورت‌ها، نیازها و رفاهیات، از این رو اقتصاددانان اسلامی بحث می‌کنند که اولویت‌های سرمایه‌گذاری باید تابع همین طبقه‌بندی باشد. پروژه‌هایی که نیازهای ضروری انسان مانند غذا، سرپناه و دفاع را بر می‌آورد، باید در بالای فهرست قرار گیرند. در رتبه بعدی، نوبت به پروژه‌هایی می‌رسد که تسهیلات را به شکل اساسی افزایش داده یا سختی‌ها را کاهش می‌دهد و در پایان نوبت پروژه‌هایی است که کیفیت زندگی را بالا برده، امکانات و رفاه بیشتری را به ارمغان می‌آورد. برخی اقتصاددانان اسلامی می‌افزایند که باید میان سرمایه‌گذاری عمومی و خصوصی فرق قائل شد. اولویت‌های پیشین باید فقط در مورد سرمایه‌گذاری بخش دولتی به کار بسته شود، چرا که

بخش دولتی باید در جهت منافع تمام جامعه اداره شود. از سوی دیگر باید به افراد اجازه داده تا بتوانند آزادانه سرمایه‌گذاری‌های خصوصی خود را دنبال کرده، به سودآوری یا رضایت فردی خود دست یابند، بنابراین در حالی که سرمایه‌گذاری بخش عمومی باید تولید مواد غذایی را بر تولید عطر و مواد خوشبوکننده ترجیح دهد، سرمایه‌گذاری بخش عمومی باید تولید آزادانه تولید عطر را به سبب سودآوری یا تمایل شخصی صاحب کارخانه ترجیح دهد.

مبحث شکاف منابع در توسعه، بخش بزرگی از مباحث این دوره را اشغال کرده است. میان خطوط فکری متداول، اقتصاددانان اسلامی معتقدند که توسعه اقتصادی به علت در پی داشتن دو شکاف مهم در منابع، نیازمند بسیج فراتر و اضافی منابع است. شکاف اول میان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری بوده و دیگری میان واردات و صادرات است. راه‌حلی که اقتصاددانان اسلامی برای پر کردن شکاف پس‌انداز سرمایه‌گذاری ارائه کرده‌اند، از طرح‌های متداول (برای مثال پس‌انداز اختیاری، افزایش مالیات به ویژه بر بخش اولیه (Primary sector) و توسعه پولی اگر چه نامطلوب اما به صورت واپسین راه‌حل) فراتر نمی‌رود، با وجود این، حتی اگر شکاف داخلی جبران شود، شکاف مبادلات خارجی ممکن است باقی بماند، چرا که فن‌آوری و کالاهای سرمایه‌ای خارجی مورد نیاز توسعه، بر منابع ارز خارجی که برای واردات مهیا شده فشار می‌آورد. این جا دوباره طرح‌های سنتی پیشی می‌گیرد (به ویژه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، استقراض خارجی و کمک‌ها و بخشش‌های خارجی).

این مبحث نیز در این دوره مطرح است که الگوی مصرف اسلامی همان‌طور که به اعتدال و پرهیز از اسراف و تبذیر دعوت می‌کند، بر نرخ پس‌انداز می‌افزاید. این امر سبب دسترس بیشتر به

منابع داخلی برای سرمایه‌گذاری توسعه در مقایسه با زمانی می‌شود که الگوهای مصرف غربی حاکم است.

در مبحث سرمایه‌گذاری می‌توان گفت و گوهایی را یافت که از این قرارند؛ نظام اسلامی انگیزه مؤسسان شرکت‌ها را برای مبادرت به طرح‌های جدید می‌افزاید. دین، سرمایه‌گذاری را عبادت می‌شمارد تا انسان از مناطق پهناور زمین بگذرد و در پی به دست آوردن هدیه‌ها و عطایای الهی باشد. افزون بر این، اصل شراکت در سود سرمایه‌گذاری، کارآفرینی را رونق می‌بخشد، چرا که پیامدهای ناگوار شکست به جای این‌که بر اساس سرمایه‌گذاری قرضی فقط بر کارفرما تحمیل شود، میان سرمایه‌گذار و کارفرما تقسیم می‌شود. این رونق بخشی در توزیع زکات نیز با تحت پوشش قراردادن قرض مندان نمود می‌یابد، با این کار، ترس از شکست میان کارفرمایان بالقوه کاهش می‌یابد.

در این دوره، همچنین مبحث منابع واگذار شده به بخش عمومی در نظام اسلام به چشم می‌خورد. واگذاری این منابع با تخصیص منابع طبیعی به دولت اسلامی یا امت اسلامی به صورت ثروتی همگانی که باید برای مصلحت همه جامعه سرمایه‌گذاری شود، صورت می‌پذیرد. حجم بخش عمومی در نظام اقتصادی اسلامی قابل ملاحظه فرض شده است. این بخش دست‌کم از لحاظ نظری می‌تواند متشکل از تمام منابع انرژی و مازاد تولید بخش عمومی می‌شود.

از دیگر گفت و گوهای مطرح این دوره، آثار قاعده احیای زمین‌های بایر بر توسعه است. این اصل با پیش‌بینی جایزه به شکل مالکیت زمین برای کسانی که زمین‌های بایر را به کاربری مولد و اقتصادی می‌رسانند، تمام افراد را به مشارکت مستقیم در فعالیت‌های توسعه‌ای جوامع خود

تشویق می‌کند. کاربری جدید این زمین‌ها می‌تواند کشاورزی، صنعتی، مسکونی یا هر کاربرد مؤلف دیگری باشد.

در مرحله سوم، نوشته‌های اقتصاد اسلامی در مورد توسعه ناچیز بوده و در باره موضوعاتی مانند بانک داری اسلامی، انواع اسلامی تأمین سرمایه، توزیع و غیره پراکنده بوده و اهمیت مستقیم و مستقلی که شایسته مبحث توسعه اقتصادی و اجتماعی باشد، به چشم نمی‌خورد. در این دوره اندیشه‌هایی از این دست یافت می‌شود:

از آن‌جا که در تأمین مالی اسلامی، تأمین سرمایه محدود به حمایت از فرآیند تولید و مبادله کالا می‌شود، شیوه اسلامی (در مقایسه با راه کارهای متعارف که از اساس، نوعی وام مبتنی بر بهره است) به خودی خود به توسعه تمایل دارد. تأمین مالی بر پایه بهره، قرض‌های سرمایه‌ای (تمدید و تنزیل دیون)، هزینه‌های بودجه‌ای عمومی و هزینه‌های خصوصی را تجویز می‌کند. به عبارت دیگر، تأمین سرمایه به شیوه اسلامی با هر کدام از روش‌های شراکت، فروش یا اجاره صورت پذیرد، محدود به حدود معاملات در بازار کالا است. شیوه‌های اسلامی تأمین سرمایه، به علت ویژگی ذاتی خود با تمدید دین، تبدیل دین، موجودی‌های سفته بازی صندوق، انتقالات سفته‌بازی مربوط به نقدینگی درون بانکی و دیگر فعالیت‌های کاملاً پولی ناسازگار است، بنابراین مالیه اسلامی به علت اساس قراردادی آن متمایل به توسعه است.

با این که هدف عمده نظام اقتصاد اسلامی رسیدن به عدالت توزیعی است، تأمین مالی مبتنی بر مشارکت در سود و زیان، انگیزه کافی برای بازده و رشد فراهم می‌آورد.

برای این که بدون تحت فشار قرار دادن ثروتمندان به عدالت برسیم، داشتن نرخ رشد بالا ضرورت دارد، چرا که با نرخ رشد بالاتر، تخصیص بیش از نرخ معمول به فقیران آسان‌تر و قابل

تحميل تر است. اگر انگیزه نفع شخصی به وسیله اعتقاد به محاسبه روز جزا (فیلتری درونی که می‌تواند بعدی انسانی به طلب سود و منفعت شخصی دهد) کنترل شده باشد، وجودش ضرورت داشته یا دست‌کم مورد مدارا بوده و پذیرفته شده است. چنین ترکیبی برای چیره شدن بر حرص و نادیده گرفتن وحشیانه منافع دیگران لازم است.

پس‌انداز به همان میزان که در توسعه تعیین کننده بود، در زمینه توزیع و راه‌های تأمین پشتوانه مورد بحث قرار می‌گیرد. از یک سو تأمین مالی مبتنی بر مشارکت در سود، تمام پس‌اندازها را برای انباشت سرمایه در پروژه‌های تولیدی با جلوگیری از ورود تأمین مالی به مصارف شخصی و یا فعالیت‌های غیرتولیدی بخش عمومی، آماده می‌سازد. از سوی دیگر برآوردن نیاز توزیع عادلانه و نیازهای اساسی، این پس‌اندازهای ذخیره شده را به کار گرفته و میزان مبلغی را که در حقیقت برای سرمایه‌گذاری‌های جدید فراهم آمده، کاهش می‌دهد، بنابراین نتیجه به علت وابستگی آن به میزان تجربی این دو اثر، نامعلوم خواهد بود.^۱

جمع بندی و نتیجه گیری

حذف ربا و استقرار بانکداری اسلام یکی از ابزارهای سیاست گذاری اسلامی برای استقرار یک جامعه مبتنی بر قسط و عدل است. برابری نرخ بهره با صفر از مشخصه های یک اقتصاد اسلامی است و نه اقتصاد سرمایه داری. در نتیجه دستور اسلام به حذف ربا در دیدی عمیق تر دعوتی است حاوی تجدید نظر در کلیه ی روابط اساسی اقتصادی جامعه. وظایف اساسی و مورد قبول جامعه را که نرخ مثبت بهره در اقتصاد انجام می دهد، هم چنان می توان در اقتصاد اسلامی با نتایج بهتر از نظر توسعه اقتصادی و استقرار عدالت اجتماعی اجرا کرد. حذف بهره به معنای هرج و مرج و رکود اقتصادی نیست. بلکه دستوری اخلاقی برای معکوس کردن آن جریان اقتصادی است که هم اکنون سبب ایجاد نابرابری های ناخالص درآمد و ثروت است، تا سعادت جامعه، آن گونه که مورد نظر اسلام است به حداکثر برسد.

یکی از اقدامات مؤثر، افزایش چشمگیر دولت در مراحل تشکیل سرمایه و پس انداز است، در ضمن باید توجه داشت که این تنها راه حذف ربا نیست. ترتیبات دیگری نظیر مشارکت در سود (یعنی مضاربه) پیشنهاد می شود. با این حال برتری بانک داری اسلامی در این حقیقت نهفته است که کلیه گام هایی که در جهت حذف ربا پیموده می شود لزوماً باید به تغییر بنیادی سیستم های اقتصادی امروز بر اساس موازین اسلامی بینجامد.

در یک اقتصاد اسلامی رو به رشد، سیاست گزاران باید از طریق جریان غیرقابل اجتناب آزمایش و اشتباه و یادگیری در عمل، توان خود را در تنظیم مجموعه سیاست های مطلوب به منظور ایجاد شرایط لازم جهت اصول به توسعه اقتصادی تکامل بخشند، در این میان، در مجمع، کنترل های مستقیم در مجموعه سیاست ها از اهمیت بیشتری نسبت به کنترل های غیرمستقیم

برخوردارند. دول نباید طوری برنامه‌ریزی نماید که بتواند منابع کمیاب را در مسیر کاربردهایی که از اولویت بیشتری برخوردارند هدایت کند. همچنین دولت باید کنترل‌های مستقیم بر سرمایه‌گذاری داشته باشد. سیاست پولی باید توسط سیاست مالی، که به عنوان ابزار تنظیم و کنترل کننده از اهمیت زیادی برخوردار است، تقویت شود.

مسئله‌ای که نباید از نظرها دور داشت این است که گسترش چشمگیر فعالیت های دولت که درست و در عین حال کارا باشد، مستلزم پرورش نخبگان زیادی به جامعه می باشد. از این رو ترویج آموزش همگانی بیش از پیش ضرورت بیشتری می یابد. البته باید در نظر داشت که این مهم در کوتاه مدت عملی نخواهد شد ولی با این حال نباید مأیوس شده و با تکیه و پشت گرمی به نیروهای خلاق موجود در جامعه در جهت وصول به اهداف ایده‌آل گام برداشت.

اسلام نه تنها بر مشروعیت اهداف، بلکه بر مشروعیت وسائل نیز تأکید دارد. به عنوان مثال، ربا (یعنی نرخ مثبت بهره) را نیم قرن در مجموع ابزارهای سیاست‌گذاری به منظور حل مسائل پولی در اقتصاد اسلامی قرار داد. با این که این مسئله درست است ولی با این حال هر ابزار سیاست‌گذاری جانشین، از نقطه نظر اسلامی مشروع نمی‌باشد. حذف کامل ربا از اقتصاد، مستلزم تغییرات ساختاری می‌باشد که عدالت اجتماعی را در سیستم‌های اقتصادی موجود به وجود می‌آورد.

دیدگاه اسلام در مورد توسعه اقتصادی، تنها تشویق رشد مادی را هدف قرار نمی‌دهد. بلکه توسعه اقتصادی باید به تعالی روحی نیز کمک کند "بهدی الی الرشد فامنا به" به عنوان مثال زکات دادن، نه تنها توزیع مجدد ثروت جهت رفع فقر و بدبختی است بلکه هم چنین وسیله‌ای برای تهذیب روح و تعالی اخلاقی است. در جهت حذف بهره از سیستم بانکی ایران، از سال ۱۳۶۲ به بعد اقدامات مهمی صورت گرفته ولی با این حال راه درازی تا رسیدن به اهداف اسلامی باقی

مانده است و هر چند که از لحاظ قوانین اشکالی ظاهراً مشاهده نمی‌شود ولی عملاً و در اجرا شبهه ربوی بودن عملیات پیش می‌آید و این امر آموزش همگانی بانکداران را در جهت اجرای قوانین و عقود اسلامی از ما طلب می‌نماید.

منابع و مآخذ

- ۱- بناء رضوی، مهدی، طرح تحلیلی اقتصاد اسلامی، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی ۱۳۶۷، مشهد.
- ۲- بهمند، محمد و محمود بهمنی، بانکداری داخلی، مؤسسه بانکداری ایران ۱۳۷۴، تهران.
- ۳- صدر، شهید آیه الله محمد باقر، اقتصاددان
- ۴- قحف، منذر، توسعه پایدار در کشورهای اسلامی، ترجمه سعید و محمدعلی فراهانی فرد فصل نامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۸۳.
- ۵- مصباحی مقدم، غلامرضا، جزوه های متعدد در مورد بانکداری
- ۶- مطهری، استاد شهید مرتضی، ربا، بانک و بیمه، انتشارات صدرا، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۴.
- ۷- Yousef, Tarik, (۱۹۹۶), "Islamic Banking, Financial development and growth.
- ۸- Abdul Gaffor, A.L.M. (۱۹۹۵), "Islamic Banking.
- ۹- Moulana Ebrhim, Ahmad Fazel (۱۹۹۶), "principle of Islamic Banking. Nidaul Islam magazine.
- ۱۰- Khan, tariqullah and Boulem bedjilali (۲۰۰۲) , "modeling an exit strategy for Islamic venture capital finance. International journal of Islamic financial servces.